

تحلیل ارتش عراق از دلایل شکست اش در عملیات فتح المبین

سند شماره ۱۳۶۱۹۶، گردیده اسناد عملیات فتح لمبین
آرشیو مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

۴) عدم اشغال عوارض مهم و مشرف بر منطقه که در صورت اشغال آنها، اصول پدافندی را بهتر از عوارض دیگر تأمین می کرد.

- عدم اشغال عوارض مهم و مشرف بر منطقه بنا به دلایل زیر بوده است:

الف) کمبود نیروها؛ و

ب) فاصله نسبتاً دور یگانها از مواضع مزبور.

عدم اشغال عوارض مهم و گسترده جبهه‌هایی که به عهده لشکرها بود، به موارد زیر منجر شد:

۱) عدم پیوستگی مواضع پدافندی و افزایش شکاف میان یگانها که متأسفانه، استقرار نیرو و پر کردن این شکافها دیر هنگام و در لحظاتی پیش از حمله انجام گرفت؛

۲) ایجاد یک موضع پدافندی و استقرار نیروها در آن به صورت یک خط باریک؛

۳) نداشتن عمق لازم؛

۴) نداشتن نیروی احتیاط به مقدار کافی؛ و

۵) امکان دیده‌بانی بهتر نیروهای ایران نسبت به یگانهای خودی.

وضعیت حکم بر مواضع پدافندی خودی به نیروهای ایرانی کمک کرد تا پس از شکستن خط، رخنه عمیقی را در مواضع پدافندی ایجاد کنند؛ اقدامی که به رغم دادن عمق و احتیاط کافی به بعضی از محورها در جبهه و جناح موضع پدافندی صورت گرفت، اما تقویت و ترمیم خط پدافندی در محورهای دیگر که تا روز حمله به حد مطلوب نرسیده

اشاره

متنی که در پیش رو دارید، تحلیل عملیات تلفزدندانه فتح المبین از دیدگاه ارتش عراق است؛ و بین امکان وجود دارد که دشمن برای جلوگیری از تأثیر منفی این شکست بر روحیه افراد خود از مطرح کردن تمامی اشتباهاتش خودداری کرده باشد؛ بنابراین، لازم است خوانندگان محترم فصلنامه این موضوع را مد نظر قرار دهند. امید است درج این سند برای آگاهی خوانندگان محترم از دیدگاههای فرماندهان ارتش عراق، درباره دلایل شکستهای نظامی شان در برابر نیروهای ایرانی مفید و مؤثر باشد.

درسهای آموزنده از نبردهای شوش و دزفول

مورخه ۱۳۶۰/۱۲/۲۷ - ۱۳۶۱/۱۹

- آرایشهای پدافندی

- آرایش پدافندی لشکرها در این منطقه همان خطی است که یگانها در سپتامبر سال ۱۹۸۰ به آن رسیده بودند. این آرایش پدافندی موارد زیر را به دنبال داشت:

۱) گستردگی زیاد جبهه و جناح لشکرها، به طوری که گستردگی جبهه و جناح لشکر ۱ پیاده، مکانیزه حدود هفتاد کیلومتر و عرض جبهه فاصله دو جناح لشکر ۱۰ زرهی حدود نود کیلومتر میان منطقه بیات و چیلان بود؛

۲) افزایش طول و مسافت خطوط مواصلاتی؛

۳) تهدید جناحهای هر دو لشکر از طرف نیروهای ایرانی؛ و

بودند، پس از رسیدن نیروهای نازه نفس و مأمور کردن آنها به یگانها انجام گرفت.

جلویی مواضع پدافندی برساند.

ج) استقرار و اختفا

به طور کلی، مشاهده شد که افسران، درجه‌داران و سربازان به اجرای اصول استقرار و اختفا اهمیت نمی‌دهند. هر اندازه یگانها اصول استقرار و اختفا را بیشتر رعایت کنند، احتمال کشف و تشخیص مواضع پدافندی و محل استقرار سلاحهای گوناگون کمتر می‌شود و یگانها می‌توانند در مواضع خود، به خوبی مقابله و دشمن مهاجم را از محل قرارگاه و مواضع خود دور و گمراه کنند.

د) مراقبت و دیده‌بانی

شیکه دیده‌بانی و مراقبتی میدان نبرد افزون بر بعضی از دستگاههای دیده‌بانی و مراقبتی که ویژه یگانهای توپخانه و یگانهای مرزی است، بر نیروی دیده‌بان، متکی بود. باید یادآور شد که تعداد این دستگاهها در روز بسیار اندک بود. -وسایل دیده‌بانی و مراقبت در شب نیز از نظر نوع، تعداد و کارایی برای انجام این وظیفه در تاریکی شب کافی نبود؛ بنابراین، به منظور روشن کردن صحنه نبرد، فراهم آوردن امکان دید و شناسایی فعالیت‌های دشمن باید از گلوله‌های منور زیادی استفاده می‌شد.

ه) ارتباطات

یکی از ویژگیهای نبرد پدافندی تکیه اساسی بر ارتباط با سیمی و نیز استفاده از بی‌سیم به منزله وسیله ارتباطی یدکی است. به طور کلی، ارتباط با سیمی در این عملیات خوب بود و تا پایان مراحل اولیه حمله دشمن مورد استفاده قرار گرفت، اما با افزایش شدت حمله دشمن و طولانی شدن زمان عملیات، این گونه ارتباطات به علت قطع شدن اغلب سیمهای تلفن در اثر آتش توپخانه، حتی آنهایی که در زیر خاک پنهان شده بود، به تدریج از بین رفتند و در نتیجه، توانایی پاسخگویی به درخواست یگانها و انتقال اطلاعات به کلی ناممکن شد. از طرف دیگر، ارتباط بی‌سیم نیز بنا به دلایل زیادی از جمله پارازینهای ارسالی دشمن، ضعف کاری بی‌سیمچیا و آشنا نبودن با نحوه کارکرد دستگاههایی که جدیداً وارد خدمت شده‌اند، توانایی انتقال اطلاعات و دستورات به طور متناسب و هماهنگ با تغییرات سریع نبرد را نداشتند. همچنین، دشمن از سیم تلفنی برای رسیدن به مواضع قرارگاهها در مراحل اولیه نبرد استفاده کرد و ترانس، قرارگاههای مزبور را فلج کند.

ب) میدانهای مین

انواع مختلف میدان مین در متوقف کردن دشمن نیروهای ایران و استفاده از انواع سلاحها و اجرای آتش شدید در وارد آوردن حداکثر خسارت به آنها نقش چشم‌گیری داشت. ولی عوامل زیر به دشمن نیروهای ایران کمک کرد تا به سرعت از میدان مین عبور کنند:

۱) استفاده دشمن از روشهای گوناگون در عبور از میدان مین؛

۲) عدم کنترل میدان مین از سوی نیروهای گشتی ثابت؛

۳) عمق اندک و تراکم میدانهای مین؛ و

۴) مسدود کردن برخی از معابر علامت‌گذاری شده در میدانهای مین و عدم حفاظت آنها با آتش مستقیم یگانها. -استفاده از روشهای اصولی در مین‌گذاری، افزایش عمق و تراکم آنها، ایجاد موانع مصنوعی و مین‌گذاری در عمق مواضع پدافندی مانند ایجاد میدانهای مین ممانعتی، حفاظت میدانهای مین با اجرای آتش و مراقبت از آنها جملگی می‌تواند به تحقق اهداف پدافندی مناسبی منجر شوند. در غیر این صورت، میدانهای مین بی‌ارزش شده و دشمن می‌تواند به آسانی از آنها عبور کند و خود را به خطوط



تدبیر نبرد پدافندی

الف) نیروی احتیاط

- گسترش جبهه و ازدیاد فاصله جاحین یگانهای مستقر در منطقه آنها را به گسترش در تمام جبهه مجبور کرد و محدودیت آنها را در داشتن احتیاط قوی ای که بتواند وظایف خود را به طور دقیق و خوب انجام دهد، باعث شد، به طوری که نیروها با استعداد و امکانات خود در هنگام پاتک، توانایی تاثیر در وضعیت متغیر یا انهدام و عقب نشاندن دشمن را از مواضعی که اشغال کرده بود، نداشتند.

- نیروی احتیاط، در سازمان نیروی زرهی برای سد کردن رخنه و سلب حرکت از دشمن به کار گرفته می شود. در این عملیات، نیروی احتیاط مأموریت خود را به خوبی انجام داد، ولی لشکرها نتوانستند احتیاط خود را تجدید سازمان کنند تا مجدداً وارد عمل شوند؛ زیرا، به علت کمبود نیرو، مجبور بودند، از نیروی احتیاط استفاده کنند.

- بعضی از یگانهای سیاه چهارم که مأموریت الحاق با یکدیگر را داشتند، بدون شناسایی منطقه و شناخت قبلی از زمین، اهداف و محل استقرار دشمن وارد عمل شدند؛ بنابراین، اغلب طرحهای گسترش و انجام عملیات الحاق با نقص و عیب همراه بودند.

ب) فرارگاه یدی و فرمانده احتیاط

فرارگاه و فرمانده عملیات، مغز متفکر و کنترل کننده یگانها، پیش، در جریان و بعد از عملیات است؛ بنابراین، ضرورت دارد که برای کاهش اثرات فقدان و از دست رفتن فرارگاه فرماندهی و فرمانده عملیات در حین نبرد که به دستپاچگی و عدم کنترل منجر می شود، فرارگاه یدی و فرمانده احتیاط پیش از نبرد انتخاب و به آن فرصت داده شود تا در جریان امور قرار گیرد و با تمرین شیوه فرماندهی، بتواند در صورت از بین رفتن فرارگاه اصلی یا کشته شدن فرمانده عملیات به هدایت و کنترل نبرد پرداخته و یگانهای مربوطه را با همان کیفیت قبلی که فرمانده اصلی دانسته، هدایت و کنترل کند در این باره مشاهده شده است که چندین گردان پس از قطع ارتباط با فرارگاه مربوطه یا کشته شدن فرمانده آن، تعدادی از نفراتشان اسیر شده یا اینکه از مواضع خود عقب نشینی کرده اند.

ج) پشتیبانی آتش

- نیروهای ایرانی در نبردهای گذشته، چه پیش از عملیات و چه در جریان تک، بر اثر آتشیهای پشتیبانی خودی حسارات

زیادی را متحمل شدند و این اقدام مانع از تحقق مقاصد آنها در ایجاد رخنه و تاثیر آشکار بر یگانهای خودی گردید؛ بنابراین، دشمن با اعزام گروههای نفوذی در شب، مناطق استقرار توپخانه را شناسایی کردند و در مراحل اولیه عملیات، هدف قرار دادند. این گروهها برای رسیدن به مواضع توپخانه و فلج کردن آنها از میان خطوط و مواضع جلویی عبور می کردند.

- به رغم اینکه پیش از این، لشکرها افرادی را برای تأمین محل استقرار توپخانه تعیین کرده بودند، اما به دلیل کافی ر مناسب نبودن نیروی مدافع با نیروی مهاجم، دشمن توانست به مواضع توپخانه دست یابد و آن را در زمانی که یگانهای خط مقدم به آتش پشتیبانی توپخانه شدیداً نیاز داشتند، از کار بیندازد؛ اقدامی که تاثیر آن بر مقاومت نیروها در مواضعشان و عقب نشینی آنها آشکار بود.

د) گزارشهای اطلاعاتی یگانها

- فرماندهی و تدبیر نبرد بر دقت و سرعت رساندن اطلاعات به فرارگاه بالاتر منکی است. در صورت ارسال اطلاعات صحیح و دقیق، فرارگاه قادر خواهد بود، اقدامات مناسبی را برای مقابله با وضعیت جدید اتخاذ کند.

- در جریان این نبرد، وضعیت یگانها با دقت مطلوبی به فرارگاه بالاتر گزارش نمی شده، در این گزارشها، وضعیت



تلفات مواضع خودی را اشغال کننده بنا بر این، با اشغال این مواضع از سوی دشمن وقت کافی برای قرارگاه بالاتر برای وارد عمل کردن احتیاط و تقویت یگان درگیر بقی نماند.

س) پدافند تعرضی

- برای ایجاد این احساس که یگانهای پدافندی هر آنکه بخواهند توانایی تعرض را دارند و پدافندی حالت موقت است، باید پدافند همراه با تعرض انجام شود. این امر از طریق انجام عملیات از پیش طرح ریزی شده مانند دستبرد، اعزام گروههای گشتی و اجرای کمین از سوی عناصر آموزش دیده صورت می گیرد تا نتایج مطلوب و مثبتی که از این عملیات انتظار می رود، به دست آید.

- برای تضمین تدارک فعالیت و کارایی گروههای گشتی و کمین در عمق زمین ممنوعه، فرماندهی و معاونت فرماندهی گروههای گشتی و کمین به السران محول شده بود، اما با وجود این اقدام، کیفیت عملکرد گروههای مزبور در زمان پیش از وقوع نبرد، از متوسط کمتر بود؛ موضوعی که به عدم اصلاح نیروهای خودی از نزدیک شدن دشمن به مواضع آنها منجر شد. دلایل ضعف مزبور را می توان نکات زیر عنوان کرد:

- ۱) فقدان بعضی از عناصر و رزیده که در اثر نبردهای گذشته از رده خارج شده اند؛
- ۲) ضعف آموزش سربازان احتیاط؛

یگانها مبالغه آمیز و مبهم بود و از آنجا که مواضع تمامی یگانها هدف حمله فرار گرفته بود، واحدها اعلام کردند که حجم نیروی دشمن بسیار زیاد است و رخنه در مدت کوتاهی انجام خواهد گرفت؛ موضوعی که باعث شد تا قرارگاه بالاتر در وضعیتی قرار گیرد که نتواند تصمیم قاطعی را اتخاذ کند.

د) ترک مواضع، فرار و عقب نشینی

هدف از ایجاد مواضع پدافندی، جنگیدن سنگر به سنگر در برابر دشمن و وارد آوردن تلفات و ضایعات به آن می باشد. عقب نشینی بعضی از نیروها از مواضع پدافندی بر مقاومت و نبات دیگر یگانها تأثیر منفی می گذارد. همان گونه که در بعضی از مواضع مشاهده شده است، اگر سربازان در مواضع پدافندی و جلوی آن با دشمن مقابله می کردند، دشمن را شکست می دادند و از تحقق اهدافش جلوگیری می کردند؛ اما متأسفانه بعضی از سربازان، به محض عبور دشمن از میدانهای مین و زمانیکه نیروهای دشمن به مواضع جلویی رسیدند و یا در اثر آتش شدید توپخانه، مواضع خود را ترک کردند. این عمل، نه تنها فرصت خوبی را برای به دست آوردن جای پای مناسب به دشمن داد بلکه دیگر پرسنل را به ترک مواضع و عقب نشینی غیر قابل کنترل تشویق نمود و شکافی را در مواضع پدافندی ایجاد کرد و دشمن را یاری داد تا در اولین فرصت و با کمترین



(۳) طولانی بودن مدت زمان استقرار در مواضع؛ و
(۴) تکراری بودن بیش از حد مأموریتها.

شن عقب‌نشینی نیروها و فقدان کنترل بر آنها از سوی قرارگاه

دشمن با وارد آوردن فشار بر یگانهای جلویی توانست در مواضع خودی رخنه کند. در این حال، بعضی از سربازان ما مواضع خود را ترک و عقب‌نشینی کردند و برخی دیگر به آنها ملحق شدند. به دلیل اینکه حمله در شب انجام شد، قرارگاه کنترل خود را به ویژه بر زده‌های گروه، دسته، گروهان، گردان، تیپ و بعضی اوقات، حتی لشکر از دست داد و بعضی از واحدها به طور غیر قابل‌کنترلی به شکل ستونهای طولیل عقب‌نشینی و بعضی از افراد نیز، سلاحها و تجهیزات خود را رها کردند. در حالی که بعضی دیگر تا آخرین لحظات حیات به مقاومت ادامه دادند.

روحیه

روحیه بیش از نبرد به علت بیرونی فرماندهان (تیپ / لشکر) از روش تعرض در حال پدافند و اعزام گروههای گشتی و کمین و انجام عملیات دستبرد، خوب بود، ولی در جریان این عملیات، به دلیل نتایج نامساعد نبردها و افزایش فعالیت نیروهای ایرانی روحیه نیروها تضعیف شد. مهم‌ترین عواملی که روحیه نیروها را تضعیف کردند، عبارت بودند از:

(۱) روشن نبودن وضعیت؛
(۲) وارد آمدن خسارات جانی و مالی؛ و
(۳) استمرار خستگی نیروها به دلیل چندین روز نبرد بی‌امان.

در مقابل، عوامل زیر به رغم شدت بیش از حد نبرد روحیه نیروها را افزایش داد:

(۱) تقویت یگانها از سوی تیپها و گردانهای جدید؛
(۲) دبدار مستمر فرماندهان از خطوط نبرد؛
(۳) استمرار و تداوم فعالیت لجستیکی؛ و
(۴) جلوگیری از تحقق اهداف دشمن و وارد آوردن خسارات فراوان به آن.

آموزش

الف) آموزش رزم شبانه

دشمن بدن دلیل از حمله شبانه استفاده می‌کند که امتیازات گوناگونی را برای آن در پی دارد. از سوی دیگر، ضعف و کمبود آموزش یگانهای خریدی در رزم شبانه آشکار نبودن اهداف؛ نداشتن کنترل؛ عدم آگاهی از اوضاع، به ویژه پس از قطع ارتباط با سیم و بی‌سیم؛ مشکل بودن تقویت نیروها؛ و تخلیه خسارات زمان نبرد را در شب کوتاه می‌کند. دشمن با ایجاد رخنه و تصرف مواضع جلویی، در مواضع ما به نبرد می‌پردازد. در نتیجه، یگانهای خودی به اجبار عقب‌نشینی می‌کنند و افراد باقی‌مانده در مواضع به اسارت درمی‌آیند.



ب) رزم انفرادی

نبرد اساساً بر استفاده مناسب سرباز از سلاح و زمین متکی است، اما مشاهده شده است که معمولاً سربازان نمی‌توانند در زمان نزدیک شدن دشمن به میدانهای مین، خود را کنترل کنند. در این زمان، آنها به سوی دشمن که در برد سلاحهایشان نمی‌باشد، به صورت رگبار آتش می‌کشایند. بدین ترتیب، مقدار مهمات ذخیره آنها به سرعت کاهش می‌یابد و در زمان نزدیک شدن دشمن، سرباز یا بدون مهمات در موضع باقی می‌ماند و به اسارت در می‌آید یا عقب‌نشینی می‌کند.

ب) هوایروز

نقش هوایروز علیه نیروی پیاده و زرهی دشمن آشکار و مؤثر بود. آنها در بعضی از نبردها با مکارگی و هماهنگی یگانهای زمینی، دشمن را به عقب‌نشینی واداشتند. همچنین، هوایروز نقش خود را در پوشش دادن یگانها در زمان عقب‌نشینی از مواضع قدیم به مواضع جدید به خوبی ایفا کرد و به دشمن فرصت نداد تا یگانهای در حال عقب‌نشینی را تعقیب و به آنها ضربه وارد آورد.

- از مهم‌ترین، ضعفهایی که مشاهده شده است، عدم تأمین ارتباط لازم میان رابض هوایروز در نیروی زمینی با بالگردها بود. به نحوی که باعث می‌شد تا خلبانان اهدافی را هدف قرار دهند که مهم نیستند.

ج) پدافند هوایی

این نبرد و نبردهای گذشته اهمیت تویهای ۵۷ م.م خودکشی را برای مقابله با بالگردها و هواپیماهای جنگنده دشمن به اثبات رساند و همچنین، ضرورت تأمین جنگ افزارهای پدافند هوایی برای یگانهایی که در حین

ج) طولانی بودن زمان استقرار در مواضع

طولانی بودن زمان حضور نیروها در خط مقدم، تأثیر منفی در روحیه و سطح آموزش یگانها دارد، به طوری که آنها احساس خستگی، بی‌حوصلگی و بی‌میلانی می‌کنند و نحوه اجرای مأموریتشان تحت تأثیر قرار می‌گیرد. بر طرف کردن این ضعف مستلزم باز گرداندن گردانها و حتی گروهانها به عقب به منظور آموزش و تجدید سازمان، حتی برای مدت کوتاهی است تا طی این مدت، احساس راحتی کنند. در عمل هم، مشاهده شده است که غالباً، گردانها و تیپهایی که فرصت بازگشت به عقب را پیدا کرده‌اند و سپس، مسئولیت پدافند از مواضع جلویی به آنها واگذار شده است، در رزم و مقاومت از واحدهایی که چنین فرصتی را به دست نیاورده‌اند، بهتر عمل کرده‌اند.

نیروی هوایی، هوایروز و پدافند هوایی

الف) نیروی هوایی

نقش نیروی هوایی در حمله به اهداف پشتیبانی نزدیک آشکار



سیستم به هنگام عقب نشینی نیروها نتوانست تعداد زیادی از تانکها را تخلیه کند، بلکه تنها موفق شد تعدادی از خودروها و توپها را که به دستگاههای تخلیه سنگینی احتیاج نداشتند، به عقب منتقل کند.

راه حل های زیر ممکن است بتواند مشکلات را با توجه به وضعیت موجود حل کند:

۱) تهیه طرحی از سوی ستاد بهداری و ستاد مهندسی الکترومکانیک در رده سپاه برای عناصر و وسایل تخلیه و نگهداری؛

۲) در دسترس داشتن نیروی احتیاط اضافی از سوی دو ستاد مزبور تا بر حسب نیاز نبرد، در منطقه حوزه سپاه به کار گرفته شوند.

اغلب قرارگاهها پرونده ها، دستورات عملیاتی، طرحها و سفارشهای زیادی را با خود همراه داشتند که بر اثر آتش توپخانه دشمن و ایجاد حریق در معرض نابودی قرار گرفته یا پس از عقب نشینی به دست دشمن افتاده اند؛ بنابراین، برای مقابله با این ضعفها باید تمامی اسناد و مدارک را در عقب و در محل های امنی نگهداری کرد و اسناد موجود در قرارگاههای جلویی را در صورتی که امکان انتقال آنها به عقب نباشد، پیش از اسارت، منهدم کرد.

درسهای آموزنده از عملیات تعرضی در رقابیه

الف) تصمیم و اراده برای جنگیدن

به رغم جمع آوری تعداد درخور توجهی از نیروها برای حمله به مواضع دشمن در بعضی از محورهای جلویی لشکر یک مکانیزه یا جناح راست آن، نیروهای خودی نتوانستند به عمق مواضع پدافندی دشمن پیشروی کنند؛ زیرا، بخش

نبرد زیر امر قرار گرفتند. آشکار شد. یگانهای کمکی به دلیل آنکه به سلاحهای پدافندی هوایی محدود در لشکرها اعتماد چندانی نداشتند؛ از آرامش لازم در عملیات برخوردار نبودند.

جیش الشعبی و تپیهای مأموریتهای ویژه

جیش الشعبی در موارد دفاعی و پدافندی و تپیهای مأموریتهای ویژه در عملیات تعرضی و پدافندی به کار گرفته شدند که عملکرد هر یک به سطح آموزش پرسنل آنها بستگی داشت. به نظر می آید بهترین روش به کارگیری این نیروها ندادن مسئولیت یا مأموریت مستقل و جداگانه به آنهاست؛ بنابراین، باید آنها را به صورت گروهان یا تیپ مأموریتهای ویژه بین یگانهای ارتش تقسیم کرد.

لجستیک

توانایی و فعالیت سیستم اداری و تدارکاتی در تمامی شرایط، حتی در وضعیت های بحرانی چشم گیر بود و مهمات و دیگر تدارکات رزمی به طور مداوم به مواضع توپخانه و مواضع خط مقدم می رسید. مهمات زیادی در خط انبار شده بود، ولی ضعف یگانها زمانی ظاهر شد که آنها مهمات راروی زمین رها و عقب نشینی کردند.

در زمینه لجستیک در جریان نبردها، مشکلاتی به شرح

زیر رخ داد:

۱) مشکل تخلیه محروجان به عقب به دلیل نبود تعداد کافی آمولانس یا حتی در غیر این صورت، ناتوانی آمولانس در برابر آتش توپخانه آشکار بود.

۲) به رغم فعالیت خوب سیستم تعمیر و نگهداری، این



۲) ضعف سطح آموزش که در امور زیر مشهود بوده است:
الف) عدم اتخاذ تدابیر لازم در توجیه و راهنمایی افراد و حفظ جهت حرکت از نقطه رهایی از سوی یگانها برای رسیدن به هدف؛

ب) ضعف کنترل و هدایت فرماندهان از رده فرمانده گروه به بالا؛

ج) خستگی نیروها، به ویژه در زمینهای ناهموار؛ و

د) ضعف آموزش عملیاتی، مانند پیشروی برای اخذ تماس، گسترش، عزیمت و تجدید سازمان پس از تصرف هدف.

۳) عدم اجرای کامل غافلگیری؛ زیرا، تمرکز و نقل و انتقال یگانها در دید دشمن قرار داشت.

نقش قرارگاه تاکتیکی سپاه

قرارگاه تاکتیکی سپاه بر حسب وضعیت نبردها در مناطقی که به حضور در آن مناطق نیاز داشت جابه جایی می شد و فرماندهی سپاه حتی در شرایط بحرانی تا هر رده ای که فرماندهی عملیات اقتضا می کرد، حضور دائمی داشت. باید یادآور شد در این عملیات، قرارگاه تاکتیکی سپاه فعالیتهای زیر را انجام می داد:

الف) حضور در مناطق پر تحرک برای اطلاع دقیق از وضعیت و صدور دستورها و سفارشهای لازم؛

ب) تسلط و کنترل بر فرار و عقب نشینی یگانها؛

ج) صدور دستورات، سفارشها و رهبردها بر حسب وضعیت نبرد؛

د) فرماندهی ستون شرقی، که پاتک منطقه امام زاده عباس به سمت عین خوش را به عهده داشت؛ و
و) دیدارهای مداوم از یگانها در مواضعشان.

اعظم یگانهای مزبور در حال پدافند در مواضع خود به سر می بردند که دستور تک را دریافت کرده بودند، در نتیجه، تحول نیروها از حالت پدافند به آفند، به عدم موفقیت آنها انجامید.

بعضی از یگانهای عمل کننده توانستند به عمق هدف خود در مواضع دشمن پیشروی کنند و مقداری ادوات، سلاح و اسیر به دست آورند. ولی اغلب یگانها، روی لجن دشمن یا جلوی آن متوقف شدند.

ب) اهداف عملیات و علل عدم تحقق آنها

اهداف اصلی عملیات در درجه اول، جلوگیری از تعرض دشمن به سمت لشکر ۱ مکانیزه و لشکر ۱۰ زرهی و در درجه دوم، وارد آوردن خسارات هر چه بیشتر بر آن و سپس، به دست آوردن فرصت لازم برای اصلاح و تعدیل گسترش و آرایش یگانهای لشکر ۱ پیاده مکانیزه در بخشی از جبهه و در سراسر جناح راست آن بود.

دلایل عدم تحقق اهداف عملیات

۱) اغلب یگانها در نخستین روز عملیات، به اهداف مرحله اول عملیات نرسیدند. این امر موارد زیر را به دنبال داشت، دشمن از سوی یگانهای عقب توالست یگانهای مقدم خود را نفیوت کند و اقدامی را در مورد عقب کشیدن نیروهای خود از جلو لشکر ۱۰ زرهی و جناح چپ آن، که یکی از اهداف مورد نظر ما از اجرای عملیات بود، صورت نداد.

فقدان هماهنگی در حرکت یگانهای خودی، به ویژه اینکه آنها در پشتیبانی جناحها یا پیشروی به سمت عمق جبهه دشمن برای اجرای مراحل بعدی عملیات بر یکدیگر متکی بودند.

